خبر

سیگنال اضطراری پاریس به بازارهای جهانی

رئیس جمهور فرانسه در گفت‌وگو با روزنامه لو فیگارو تأیید کرد که در حال بررسی گنجاندن یک «قاعده طلایی بودجه» در قانون اساسی در ابتدای سال نو میلادی است؛ تصمیمی که به میزان نوسانات بازارهای مالی و پیامدهای مناقشات جاری بر سر تصویب لایحه بودجه در پارلمان بستگی خواهد داشت.

به گزارش ایرنا به نقل از شبکه خبری فرانس ۲۴، در سایه نگرانی‌های مالی و تداوم نوسانات بازارها، امانوئل مکرون با تأیید گزارش‌های رسانه‌ای روزهای اخیر اعلام کرد که اگر این شرایط تا ماه ژانویه (دی ماه) ادامه یابد، ایده گنجاندن یک «قاعده طلایی» بودجه‌ای (مشابه طرح سال ۲۰۱۱) را در قانون اساسی بررسی خواهد کرد.

این سازوکار که برگرفته از طرح اصلاحی نافرجام سال ۲۰۱۱ است، امکان ترسیم مسیرهای بودجه‌ای چندساله و هدایت تدریجی امور مالی عمومی به سمت توازن را فراهم می‌سازد، بدون آنکه سقف معینی برای کسری بودجه یا میزان بدهی تعیین کند.

لو فیگارو در گزارشی که روز دوشنبه روی پایگاه اینترنتی خود منتشر کرد، افزود که رئیس‌جمهور فرانسه پیش از اتخاذ تصمیم نهایی، نرخ‌های بهره اوراق قرضه دولتی و به‌ویژه «اسپرد» (اختلاف نرخ بهره میان اوراق قرضه فرانسه و آلمان) را با دقت زیر نظر دارد.

این روزنامه خاطرنشان کرد «از نگاه مکرون، تصویب لایحه بودجه سال ۲۰۲۷ تا پیش از پایان سال جاری میلادی می‌تواند آرامش را به بازارهای مالی بازگرداند»؛ بازارهایی که هم‌زمان با نزدیک شدن به انتخابات ریاست‌جمهوری این کشور اروپایی، همچنان زیر سایه هراس از یک بحران مالی قرار دارند.

به دلیل نبود اکثریت مطلق در پارلمان، بررسی لایحه بودجه اکنون در مجلس ملی فرانسه به بن‌بست رسیده است؛ وضعیتی که احتمال توسل سباستین لکورنو، نخست‌وزیر، به اصل ۴۹.۳ قانون اساسی برای تصویب بدون رأی‌گیری بودجه، یا روی آوردن به صدور احکام دولتی (دستورالعمل‌های قانونی) را قوت بخشیده است. به گفته منابع آگاه، رئیس دولت رایزنی‌هایی را آغاز کرده تا مشخص کند چه گزینه‌هایی «از نظر سیاسی و فنی قابل اجرا هستند.

لو فیگارو تصریح کرد چنانچه این ایده نهایی شود، رئیس‌جمهور قصد دارد در ماه ژانویه با احزاب و جریان‌های سیاسی به رایزنی بپردازد. در آن صورت، وی کنگره فرانسه (نشست مشترک نمایندگان مجلس ملی و سناتورها) را در ورسای تشکیل خواهد داد تا این قاعده طلایی را در قانون اساسی بگنجاند.

تصویب این اصلاحیه به اکثریت سه‌پنجم آرا نیاز دارد؛ اکثریتی که با همراهی آرای حزب «اجتماع ملی» (راست‌گرایان افراطی)، احزاب راست سنتی و نیروهای میانه‌رو قابل دستیابی است. این رأی‌گیری بر پایه همان لایحه قانون اساسی صورت خواهد گرفت که در سال ۲۰۱۱، در اواخر دوره ریاست‌جمهوری نیکلا سارکوزی، با متنی مشابه به تصویب دو مجلس رسید اما هرگز به سرانجام نرسید.

این پروژه که می‌تواند فرصتی برای مکرون باشد تا دوره ریاست‌جمهوری خود را با یک اصلاحات نمادین به پایان برساند، با موافقت راست‌گرایان و میانه‌روها روبه‌رو شده است؛ هرچند زمان‌بندی آن انتقاداتی را در پی داشته، زیرا بدهی عمومی فرانسه در جریان دو دوره ریاست‌جمهوری وی پیوسته روندی صعودی داشته است.

مارین لوپن، نامزد حزب اجتماع ملی برای انتخابات ریاست‌جمهوری، ضمن اینکه خود را صاحب اصلی این ایده می‌داند، تلویحاً اشاره کرده است که ممکن است خواستار اعمال اصلاحاتی در متن مصوب سال ۲۰۱۱ شود؛ موضوعی که در صورت تحقق، نیازمند بررسی مجدد متن در هر دو مجلس خواهد بود.

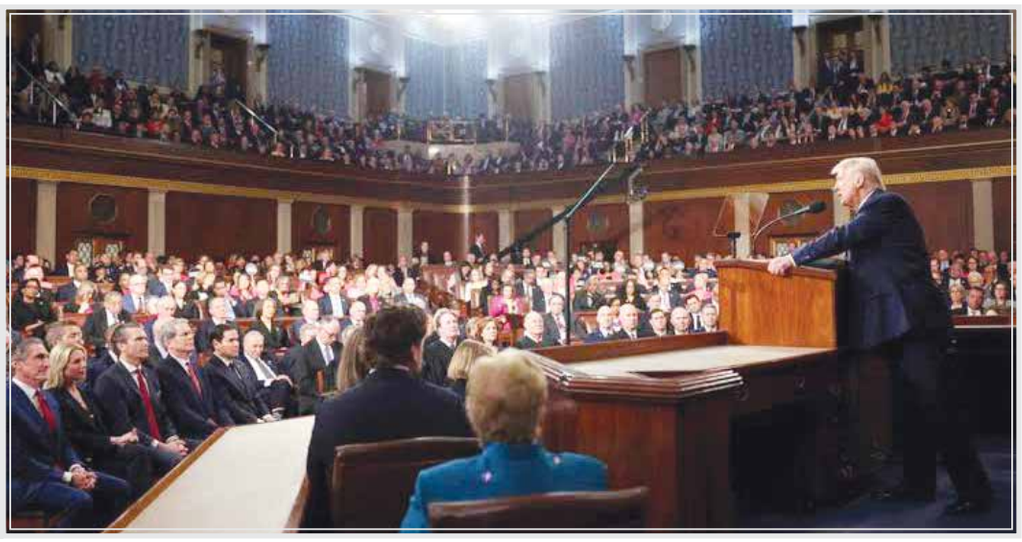
در جناح چپ، اریک کوکرل ، نماینده حزب «فرانسه تسلیم‌ناپذیر» و رئیس کمیسیون امور مالی مجلس ملی، با انتقاد شدید از این طرح، آن را «یک اصلاحات بزرگ که توان دولت‌های آینده برای اجرای یک سیاست اقتصادی متفاوت را به شدت محدود می‌کند» توصیف کرد و یادآور شد که «این تصمیم در شرایطی اتخاذ می‌شود که در دوران ۱۰ ساله زمامداری مکرون، بدهی کشور ۱,۳۶۰ میلیارد یورو افزایش یافته است».



«ابتکار» از پیامدهای نتایج انتخابات برای اقتصاد آمریکا گزارش می‌دهد

شکست در کنگره؛ زلزله در وال‌استریت

گروه بین‌الملل - دو تحول مهم در آمریکا، چشم‌انداز سیاسی و اقتصادی این کشور را با پرسش‌های تازه‌ای روبه‌رو کرده است. از یک‌سو، دموکرات‌ها با پیروزی گسترده در انتخابات میان‌دوره‌ای، کنترل هر دو مجلس کنگره را به دست آورده‌اند و از سوی دیگر، بازار سهام آمریکا یکی از سنگین‌ترین دوره‌های ریزش خود را تجربه می‌کند. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، این دو اتفاق را مستقیماً به یکدیگر مرتبط دانسته و دموکرات‌ها را مسئول سقوط بیش از ۶ تریلیون دلاری ارزش بازار معرفی کرده است. بااین‌حال، بررسی تحولات وال‌استریت نشان می‌دهد که رابطه میان انتخابات و وضعیت بازار پیچیده‌تر از آن است که بتوان تمامی زیان‌های اخیر را به پیروزی یک حزب نسبت داد.



این تحول برای ترامپ اهمیت دارد؛ زیرا او بخش مهمی از اعتبار سیاسی خود را بر وعده رشد اقتصادی و تقویت بازارهای مالی بنا کرده است

پیروزی تاریخی دموکرات‌ها

به گزارش یورونیوز، با اعلام نتیجه رقابت انتخاباتی در کارولینای شمالی، شمار کرسی‌های دموکرات‌ها در مجلس نمایندگان به ۲۵۸ رسید؛ رقمی که بزرگ‌ترین اکثریت این حزب از سال ۱۹۹۲ محسوب می‌شود. چاک هابرد، نامزد دموکرات، با شکست ویرجینیا فاکس، نماینده جمهوری‌خواه، آخرین کرسی تعیین‌کننده این رکورد را به دست آورد.

دموکرات‌ها تاکنون ۴۴ کرسی بیشتر از ترکیب پیشین خود کسب کرده‌اند و درحالی‌که نتیجه چهار رقابت هنوز مشخص نشده، جمهوری‌خواهان دست‌کم ۱۷۳ کرسی در اختیار دارند. این تغییر، موازنه قدرت را به شکل محسوسی دگرگون کرده است.

از ژانویه آینده، دموکرات‌ها کنترل مجلس نمایندگان و سنا را در دست خواهند گرفت و ترامپ ناچار خواهد بود ادامه دوره ریاست‌جمهوری خود را با کنگره‌ای اداره کند که اکثریت آن در اختیار مخالفان سیاسی اوست.

این وضعیت می‌تواند بر تصویب بودجه، سیاست‌های اقتصادی، برنامه‌های مهاجرتی و اختیارات نظارتی کنگره تأثیر بگذارد.

شش تریلیون دلار در گرداب سیاست

هم‌زمان با تثبیت پیروزی دموکرات‌ها، ترامپ در شبکه اجتماعی تروث سوشال اعلام کرد که بازار سهام آمریکا از زمان انتخابات سوم نوامبر بیش از ۶ تریلیون دلار از ارزش خود را از دست داده است.

به گزارش ایرنا به نقل از یاهو فایننس، رئیس‌جمهور آمریکا همچنین مدعی شد شاخص نزدک ۲۰ درصد سقوط کرده و سیاست‌های ضد رشد اقتصادی دموکرات‌ها عامل اصلی این وضعیت بوده است.

ترامپ هشدار داد که اگر دموکرات‌ها رویکرد خود را تغییر ندهند، شرایط بازار بدتر خواهد شد؛ هرچند هم‌زمان تلاش کرد با تأکید بر آینده قدرتمند اقتصاد آمریکا، به سرمایه‌گذاران اطمینان دهد.

بااین‌حال، ادعای کاهش ۲۰ درصدی نزدک از روز انتخابات با داده‌های شاخص در همان بازه زمانی مطابقت ندارد. کاهش این شاخص از سوم تا بیستم نوامبر حدود ۱۱ درصد بوده است. بنابراین، در تحلیل سقوط بازار باید میان اظهارات سیاسی و داده‌های معاملاتی تمایز قائل شد.

آیا دموکرات‌ها مقصرند؟

پیروزی دموکرات‌ها می‌تواند انتظارات سرمایه‌گذاران را تغییر دهد. احتمال افزایش نظارت بر شرکت‌های فناوری، محدودیت توسعه مراکز داده و تغییر سیاست‌های مالیاتی از جمله موضوعاتی است که بازار نسبت به آنها حساسیت دارد.

اما انتساب تمامی ریزش سهام به نتیجه انتخابات، سایر عوامل اقتصادی را نادیده می‌گیرد.

اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا، در گفت‌وگو با شبکه سی‌بی‌اس، کاهش ارزش سهام را حاصل ترکیبی از عوامل دانست. او علاوه بر نگرانی نسبت به سیاست‌های دموکرات‌ها، به مواضع سخت‌گیرانه بانک مرکزی آمریکا و احتمال تداوم فشارهای پولی اشاره کرد.

از سوی دیگر، رویترز گزارش داده بود که بازار سهام آمریکا بلافاصله پس از پیروزی دموکرات‌ها در چهارم نوامبر با رشد مواجه شد. این واکنش اولیه نشان می‌دهد رابطه انتخابات و سقوط بازار، مستقیم و یک‌سویه نبوده است.

ترکیدن حباب انتظارات فناوری؟

یکی از مهم‌ترین کانون‌های فشار بر وال‌استریت، سهام شرکت‌های فناوری و هوش مصنوعی است. طی سال‌های گذشته، رشد سریع ارزش این شرکت‌ها بخش مهمی از افزایش شاخص‌های بورس آمریکا را رقم زده بود.

اکنون سرمایه‌گذاران درباره بازده واقعی سرمایه‌گذاری‌های عظیم در مراکز داده، هزینه توسعه زیرساخت‌های هوش مصنوعی و پایداری سودآوری شرکت‌ها پرسش‌های بیشتری مطرح می‌کنند.

دن آیوز، تحلیلگر حوزه فناوری، وضعیت اخیر را حاصل مجموعه‌ای از فشارهای هم‌زمان توصیف کرده است. نگرانی از مقررات سخت‌گیرانه‌تر، تحولات مدیریتی شرکت انویدیا و افزایش حساسیت نسبت به ارزش‌گذاری سهام فناوری، از جمله این عوامل هستند.

در چنین شرایطی، حتی بدون تغییر سیاسی نیز احتمال اصلاح قیمت سهامی که رشد چشمگیری تجربه کرده‌اند وجود دارد. نتیجه انتخابات می‌تواند این روند را تشدید کند، اما لزوماً علت اولیه آن نیست.

اقتصاد؛ پاشنه آشیل جمهوری‌خواهان

پیروزی گسترده دموکرات‌ها را نمی‌توان جدا از نارضایتی اقتصادی رأی‌دهندگان بررسی کرد. گزارش رویترز نشان می‌دهد افزایش هزینه‌های زندگی و پیامدهای جنگ آمریکا با ایران، از عوامل مؤثر بر رفتار انتخاباتی شهروندان بوده‌اند.

افزایش قیمت سوخت و فشار بر بودجه خانوارها، جایگاه اقتصاد را در رقابت‌های انتخاباتی برجسته کرده است. دموکرات‌ها نیز با تمرکز بر مسئله معیشت، توانستند در حوزه‌هایی که پیش‌تر پایگاه جمهوری‌خواهان محسوب می‌شد، به پیروزی برسند.

این تحول برای ترامپ اهمیت دارد؛ زیرا او بخش مهمی از اعتبار سیاسی خود را بر وعده رشد اقتصادی و تقویت بازارهای مالی بنا کرده است.

اکنون افت شاخص‌های بورس و افزایش نگرانی درباره هزینه‌های زندگی، زمینه تازه‌ای برای اختلاف بر سر عملکرد اقتصادی دولت ایجاد کرده است.

کنگره آبی و کاخ سفید قرمز

دموکرات‌ها در حال تدوین برنامه‌ای صدروزه هستند که کاهش هزینه‌های زندگی و افزایش نظارت بر دولت ترامپ را در اولویت قرار می‌دهد.

حکیم جفریز، رهبر دموکرات‌ها در مجلس نمایندگان، علاوه بر مسائل اقتصادی، بررسی اختیارات جنگی رئیس‌جمهور در ارتباط با ایران را نیز از اولویت‌های کنگره آینده اعلام کرده است.

بااین‌حال، برخورداری از اکثریت پارلمانی به معنای توانایی اجرای تمامی برنامه‌ها نیست. ترامپ همچنان اختیار وتوی مصوبات را در اختیار دارد و عبور از وتوی رئیس‌جمهور به حمایت دوسوم اعضای هر دو مجلس نیازمند است.

بنابراین، احتمال افزایش مذاکرات دشوار میان کاخ سفید و کنگره درباره بودجه، مقررات اقتصادی و سیاست خارجی وجود دارد.

برای بازارهای مالی، مسئله اصلی صرفاً پیروزی دموکرات‌ها نیست؛ بلکه میزان پیش‌بینی‌پذیری تصمیم‌های اقتصادی در دوره تقسیم قدرت اهمیت دارد.

وال‌استریت در انتظار ثبات

تحولات اخیر نشان می‌دهد سیاست و اقتصاد آمریکا وارد مرحله‌ای از تأثیرگذاری متقابل شده‌اند. دموکرات‌ها با پیروزی انتخاباتی، اختیارات بیشتری برای نظارت و قانون‌گذاری به دست آورده‌اند، درحالی‌که ترامپ تلاش می‌کند مسئولیت آشفتگی بازار را متوجه مخالفان خود کند.

اما سرمایه‌گذاران بیش از جدال‌های حزبی، به چشم‌انداز نرخ بهره، سودآوری شرکت‌ها، سیاست‌های تجاری و ثبات تصمیم‌گیری توجه دارند.

در نهایت، سقوط بازار سهام و تغییر موازنه قدرت در کنگره، دو نشانه از افزایش فشار بر اقتصاد سیاسی آمریکا هستند. پرسش اصلی ماه‌های آینده این خواهد بود که آیا دولت و کنگره می‌توانند بر سر مسائل ضروری به تفاهم برسند یا اختلافات حزبی، بر نگرانی‌های موجود در بازارهای مالی خواهد افزود.

وال‌استریت برای بازگشت به ثبات، بیش از تعیین مقصر سیاسی، به روشن شدن مسیر اقتصاد آمریکا نیاز دارد.

«ابتکار» از تشدید حملات متقابل روسیه و اوکراین گزارش می‌دهد

جنگ پل‌ها در سایه دیپلماسی

در حالی که تلاش‌های دیپلماتیک برای پایان دادن به جنگ روسیه و اوکراین وارد مرحله تازه‌ای شده، تحولات میدانی از گسترش دامنه درگیری‌ها و افزایش حملات به زیرساخت‌های راهبردی دو کشور حکایت دارد. حملات گسترده به پل کریمه، هدف قرار گرفتن پل‌های ارتباطی کی‌یف، درگیری‌های دریایی و افزایش تحرکات نظامی در نزدیکی مرزهای ناتو، هفته‌ای پرتنش را در جنگ اوکراین رقم زده است. این تحولات در شرایطی رخ می‌دهد که نشست سران روسیه، آمریکا و چین در شنجن و رایزنی‌های کشورهای غربی درباره تضمین‌های امنیتی اوکراین، امیدهایی برای دستیابی به توافق سیاسی ایجاد کرده است. بااین‌حال، ارزیابی‌های اقتصادی و امنیتی نشان می‌دهد که مسیر پایان جنگ همچنان با موانع جدی روبه‌روست.

پل کریمه؛ هدف راهبردی اوکراین

به گزارش ایرنا، یکی از مهم‌ترین تحولات هفته گذشته، حملات پی‌درپی اوکراین به پل کریمه بود؛ سازه‌ای ۱۹ کیلومتری که شبه‌جزیره کریمه را به خاک اصلی روسیه متصل می‌کند و از اهمیت ارتباطی، اقتصادی و سیاسی برخوردار است. نیروهای اوکراینی از دوشنبه ۲۵ آبان حملات خود را آغاز کردند و در روزهای بعد نیز چندین مرتبه این مسیر ارتباطی را هدف قرار دادند.

مقامات روسیه اعلام کردند که حملات پهپادی موجب تخریب بخش‌هایی از سازه اصلی و آسیب جدی به طاق پل شده و در نهایت تردد خودروها را متوقف کرده است. گزارش نیویورک‌تایمز نیز حاکی از آن بود که در جریان حملات موشکی و پهپادی، حدود ۲۱۳ متر از پل به درون آب سقوط کرده است. ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، اعلام کرد که این عملیات با همکاری ارتش و سرویس‌های امنیتی کشورش در هفت مرحله طراحی و اجرا شده است. به گفته او، نیروهای اوکراینی ابتدا تجهیزات پدافندی، راداری و جنگ الکترونیک روسیه را هدف قرار دادند تا زمینه حمله اصلی فراهم شود.

پل کریمه پیش‌تر نیز بارها هدف حملات اوکراین قرار گرفته بود. کی‌یف در سال ۲۰۲۲ با استفاده از کامیون حامل مواد منفجره و در سال ۲۰۲۳ با شناورهای بدون سرنشین به این پل حمله کرد. اهمیت این سازه برای مسکو فراتر از کارکرد حمل‌ونقلی آن است؛ زیرا از زمان الحاق کریمه به روسیه در سال ۲۰۱۴، به یکی از نمادهای پیوند این شبه‌جزیره با روسیه تبدیل شده است.

پاسخ روسیه؛ زیرساخت‌های کی‌یف زیر آتش

حملات اوکراین به پل کریمه با واکنش شدید مسکو همراه شد. ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، پس از نشست سه‌جانبه با همتایان آمریکایی و چینی خود اعلام کرد که روسیه به این حملات پاسخ خواهد داد و پل آسیب‌دیده را بازسازی می‌کند. او همچنین تأکید کرد که پل کریمه تأسیساتی غیرنظامی است و انتقال تجهیزات نظامی از طریق آن ممنوع شده است. در مقابل، وزارت دفاع روسیه از حمله به پل‌های جاده‌ای و ریلی در منطقه کی‌یف و همچنین پل زاتوکا در اودسا خبر داد. مسکو مدعی است که این مسیرها برای انتقال تسلیحات و تجهیزات نظامی اوکراین استفاده می‌شدند. مقامات اوکراینی اعلام کردند که حملات گسترده روسیه به چندین پل مهم پایتخت آسیب رسانده و مشکلات قابل‌توجهی در تردد شهری ایجاد کرده است. ویتالی کلیچکو، شهردار کی‌یف، از آسیب‌دیدگی پل‌های پودیلسکی، دارنیتسکی و پل جنوبی خبر داد. این گذرگاه‌ها نقش مهمی در ارتباط بخش‌های مختلف شهر دارند. زلنسکی نیز اعلام کرد که حملات موشکی روسیه هشت کشته برجای گذاشته است. به گفته او، پدافند اوکراین بخش عمده پهپادها و موشک‌های کروز را رهگیری کرد، اما میزان موفقیت در مقابله با موشک‌های بالستیک بسیار پایین‌تر بود. این وضعیت بار دیگر آسیب‌پذیری زیرساخت‌های حیاتی اوکراین را آشکار کرد.

گسترش نبرد به آب‌های دوردست

دامنه حملات متقابل به پل‌ها و تأسیسات زمینی محدود نماند و مسیرهای دریایی نیز به صحنه تازه‌ای از تقابل تبدیل شدند. مقامات روسیه اعلام کردند که دو پهپاد در آب‌های بین‌المللی خلیج فنلاند به یک کشتی باری عازم کالینینگراد حمله کرده‌اند. در مقابل، منابع غربی مدعی شدند که کشتی مذکور ماهیت نظامی داشته است.

وزارت دفاع روسیه نیز از هدف قرار دادن یک کشتی حامل محموله‌های نظامی به مقصد بندر اودسا در دریای سیاه خبر داد. مسکو اعلام کرد که این شناور تجهیزات دومنظوره مرتبط با نیروهای مسلح اوکراین حمل می‌کرد. در تحولی دیگر، زلنسکی مسئولیت حمله به یک کشتی جنگی روسیه در سواحل لیبی را پذیرفت و مدعی شد که این عملیات با استفاده از هفت شناور بدون سرنشین اوکراینی انجام شده است. گسترش عملیات به آب‌های دور از منطقه اصلی جنگ نشان می‌دهد که رقابت نظامی دو کشور دیگر صرفاً به خطوط مقدم زمینی محدود نیست و مسیرهای دریایی نیز اهمیت فزاینده‌ای یافته‌اند.

ناتو در برابر خطر گسترش جنگ

همزمان با تشدید درگیری‌ها، گزارش سقوط دو موشک و یک پهپاد روسی در خاک لهستان نگرانی‌ها درباره گسترش جنگ را افزایش داد. مقامات ورشو اعلام کردند که جنگنده‌های لهستانی و متحدان ناتو برای مقابله با تهدید احتمالی به پرواز درآمدند. این اتفاق در نزدیکی محل برگزاری رزمایش ائتلاف کشورهای داوطلب حامی اوکراین رخ داد. مؤسسه مطالعات جنگ آمریکا احتمال داد که این اقدام با هدف سنجش واکنش ناتو و بازداشتن کشورهای غربی از حمایت بیشتر از کی‌یف انجام شده باشد؛ ادعایی که نیازمند بررسی مستقل است. در همین حال، بریتانیا از برنامه ارسال بیش از هزار پهپاد تهاجمی دوربرد به اوکراین خبر داد. فرانسه نیز ضمن تأیید حضور نیروهای نظامی خود در اوکراین، اعلام کرد که مأموریت آنان آموزشی و پشتیبانی است و در نبردها مشارکت ندارند. این تحولات نشان‌دهنده تداوم حمایت تسلیحاتی غرب از کی‌یف است.

دیپلماسی در بن‌بست تضمین‌های امنیتی

در عرصه سیاسی، نشست سران روسیه، چین و آمریکا در شنجن و مذاکرات نمایندگان کشورهای غربی در برلین، تلاش‌های تازه‌ای برای یافتن راه‌حل دیپلماتیک را برجسته کرد. استیو ویتکاف، فرستاده ویژه رئیس‌جمهور آمریکا، مذاکرات برلین را سازنده توصیف کرد. جرد کوشنر نیز از نزدیک‌تر شدن مواضع واشنگتن و اروپا درباره بازسازی اوکراین، تبادل اسرا و تضمین‌های امنیتی خبر داد. یکی از محورهای مهم گفت‌وگوها، ارائه تضمین‌هایی مشابه ماده پنج پیمان ناتو به اوکراین است؛ موضوعی که می‌تواند امنیت آینده این کشور را تقویت کند، اما همچنان با مخالفت مسکو روبه‌روست. سرگئی ریابکوف، معاون وزیر خارجه روسیه، تأکید کرد که عضویت اوکراین در ناتو برای مسکو پذیرفتنی نیست. در مجموع، تحولات اخیر نشان می‌دهد که افزایش فشار نظامی و تلاش‌های دیپلماتیک به‌صورت همزمان ادامه دارند. کمیسیون اروپا نیز در پیش‌بینی اقتصادی خود، تداوم تنش‌های ژئوپلیتیکی و تحریم‌های روسیه تا پایان سال ۲۰۲۸ را در سناریوی پایه لحاظ کرده است. بنابراین، هرچند مذاکرات قدرت‌های بزرگ امیدهایی برای کاهش تنش ایجاد کرده، اختلاف بر سر ترتیبات امنیتی و ادامه حملات متقابل، دستیابی به صلح پایدار را همچنان دشوار ساخته است.

خبر

نخست‌وزیر قطر دوباره راهی آمریکا شد

مأموریت تازه دوحه در واشنگتن



سفر محمد بن عبدالرحمن آل ثانی، نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه قطر، به واشنگتن در شرایطی انجام می‌شود که روابط ایران و آمریکا همچنان با ابهام‌های سیاسی و امنیتی روبه‌روست. اگرچه هدف رسمی این سفر شرکت در گفت‌وگوی راهبردی دوحه و واشنگتن اعلام شده، نقش قطر در میانجی‌گری‌های منطقه‌ای موجب شده است دیدارهای پیش‌رو از منظر تحولات خاورمیانه نیز اهمیت پیدا کند. در چنین فضایی، پرسش اصلی این است که آیا رایزنی‌های تازه می‌تواند به کاهش تنش کمک کند یا صرفاً فرصتی برای تبادل دیدگاه‌های دو طرف خواهد بود.

به گزارش ایسنا، باراک راوید، خبرنگار آکسیوس، اعلام کرد که آل ثانی روز دوشنبه دوم آذر به واشنگتن سفر می‌کند تا با مارکو روبیو، وزیر امور خارجه آمریکا، و شماری دیگر از مقام‌های ارشد این کشور دیدار کند. وزارت خارجه آمریکا نیز ملاقات روبیو و نخست‌وزیر قطر را برای ساعت دو بعدازظهر به وقت محلی در ساختمان این وزارتخانه برنامه‌ریزی کرده است. بااین‌حال، جزئیات دستور کار مذاکرات و نتایج احتمالی آن هنوز به‌صورت رسمی اعلام نشده است.

قطر در سال‌های گذشته کوشیده است همزمان روابط نزدیک خود با واشنگتن و کانال‌های ارتباطی با تهران را حفظ کند. این ویژگی به دوحه امکان داده در مقاطع بحرانی، نقش انتقال‌دهنده پیام و تسهیل‌کننده گفت‌وگو را بر عهده بگیرد. با وجود این، میانجی‌گری لزوماً به معنای دستیابی به توافق نیست؛ زیرا موفقیت آن بیش از هر چیز به اراده سیاسی طرف‌های اصلی و میزان انعطاف آنها در موضوعات اختلافی وابسته است.

اهمیت این سفر زمانی بیشتر می‌شود که تحولات ماه‌های اخیر در روابط ایران و آمریکا مورد توجه قرار گیرد. در پی درگیری نظامی و برقراری آتش‌بس، نگرانی درباره شکنندگی آرامش منطقه و احتمال بازگشت تنش‌ها همچنان وجود دارد. در چنین شرایطی، کشورهای منطقه از جمله قطر، نسبت به پیامدهای هرگونه رویارویی تازه حساس‌اند؛ پیامدهایی که می‌تواند امنیت مسیرهای دریایی، تجارت و بازار انرژی را تحت تأثیر قرار دهد.

در همین چارچوب، گزارش‌هایی از تماس‌های دیپلماتیک میان مقام‌های قطر، مصر و عربستان نیز منتشر شده است. بر اساس این گزارش‌ها، کاهش تنش و هماهنگی منطقه‌ای از موضوعات مورد توجه بوده است. البته تاکنون شواهد علنی کافی وجود ندارد که نشان دهد سفر آل ثانی حامل پیشنهاد مشخص و مورد توافق تهران و واشنگتن است. بنابراین، نسبت دادن یک طرح تازه یا توافق قریب‌الوقوع به این سفر، فراتر از اطلاعات منتشرشده خواهد بود.

از سوی دیگر، گفت‌وگوی راهبردی آمریکا و قطر تنها به موضوع ایران محدود نمی‌شود. دو کشور در حوزه‌های دفاعی، امنیتی و اقتصادی همکاری دارند و تحولات منطقه‌ای نیز بخشی از دستور کار طبیعی مناسبات آنهاست. برای واشنگتن، قطر شریکی مهم در خلیج فارس محسوب می‌شود و برای دوحه نیز حفظ رابطه با آمریکا در کنار ارتباط با همسایگان، بخشی از سیاست خارجی متوازن و چندمسیره آن است.

بااین‌حال، حساسیت کنونی پرونده ایران می‌تواند به رایزنی‌های واشنگتن بُعدی فراتر از روابط دوجانبه ببخشد. حتی اگر این دیدار به اعلام ابتکار مشخصی منجر نشود، تداوم تماس میان بازیگران دارای کانال ارتباطی با طرف‌های اختلاف می‌تواند از سوءبرداشت‌ها بکاهد و امکان انتقال پیام‌های ضروری را حفظ کند. چنین کارکردی به‌ویژه در دوره‌هایی که گفت‌وگوی مستقیم دشوار است، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. در نهایت، سفر نخست‌وزیر قطر را باید نشانه‌ای از ادامه فعالیت دیپلماتیک در فضای پرتنش منطقه دانست، نه الزاماً مقدمه توافقی فوری. روشن شدن جایگاه این سفر در مناسبات تهران و واشنگتن به نتایج دیدارهای رسمی و واکنش‌های بعدی طرف‌ها بستگی دارد. آنچه اکنون مشخص است، تلاش دوحه برای حفظ نقش ارتباطی خود و ضرورت باز نگه داشتن مسیرهای گفت‌وگو در برابر خطر تشدید دوباره بحران است.

توافق تازه لندن و اتحادیه اروپا شکاف‌های سیاسی را دوباره آشکار کرد

بازگشت برگزیت به میدان سیاست

ابتکار- توافق تازه انگلیس و اتحادیه اروپا در بروکسل، بار دیگر مناقشه برگزیت را به صدر تحولات سیاسی این کشور بازگردانده است. توافقی که با هدف گسترش همکاری‌های اقتصادی و امنیتی امضا شد، اکنون به موضوع اختلاف میان دولت، احزاب مخالف و نخست‌وزیران پیشین تبدیل شده است. در حالی که دولت اندی برنهام نزدیکی به اروپا را ضرورتی اقتصادی و راهبردی می‌داند، مخالفان هشدار می‌دهند که بازگشایی پرونده برگزیت می‌تواند انگلیس را بار دیگر گرفتار اختلافات فرسایشی کند. این تحولات در شرایطی رخ می‌دهد که پیامدهای اقتصادی خروج از اتحادیه اروپا و تغییر مناسبات واشنگتن و بروکسل، محاسبات سیاسی لندن را دگرگون کرده است.

صف‌آرایی نخست‌وزیران پیشین

ریشی سوناک، نخست‌وزیر پیشین انگلیس، با هشدار درباره پیامدهای بازگشت احتمالی کشورش به اتحادیه اروپا اعلام کرد که چنین اقدامی می‌تواند انرژی دولت را صرف مناقشه‌ای طولانی کند. او بازگشت انگلیس به اتحادیه اروپا طی پنج سال آینده را بعید دانست و خواستار پرهیز از تکرار اختلافات گذشته شد.

ترزا می نیز با تأکید بر ضرورت احترام به نتیجه همه‌پرسی سال ۲۰۱۶ هشدار داد که مذاکرات عضویت مجدد می‌تواند سال‌ها منابع و ظرفیت سیاسی دولت را درگیر کند. بوریس جانسون، دیوید کامرون و لیز تراس نیز مواضع مشابهی اتخاذ کرده‌اند. در مقابل، تونی بلر، نخست‌وزیر اسبق حزب کارگر، رویکرد متفاوتی دارد. او معتقد است بررسی عضویت مجدد باید با توجه به شرایط اقتصادی و مقررات اتحادیه اروپا، به‌ویژه در حوزه فناوری و نوآوری، انجام شود. این اختلاف‌نظرها نشان می‌دهد که برگزیت همچنان یکی از مهم‌ترین خطوط شکاف سیاسی انگلیس است.

دولت عقب‌نشینی نمی‌کند

با وجود مخالفت‌ها، دولت برنهام اعلام کرده که برنامه نزدیکی به اتحادیه اروپا را ادامه خواهد داد. به گزارش گاردین، مقام‌های دولتی تأکید دارند که لندن ابتدا پیامدهای اقتصادی توافق بروکسل را بررسی خواهد کرد و سپس درباره مراحل بعدی تصمیم می‌گیرد. به گزارش ایرنا، اد میلیبند، وزیر امور خارجه انگلیس، نیز اعلام کرده که تمام گزینه‌ها، از گسترش همکاری‌های تجاری تا احتمال عضویت مجدد، قابل بررسی است. او وضعیت کنونی را نامطلوب می‌داند؛ زیرا شرکت‌های انگلیسی برای فعالیت در بازار اروپا ناچار به رعایت مقررات اتحادیه هستند، بی‌آنکه در تدوین آنها مشارکت داشته باشند. در مقابل، کمی بادنوک، رهبر محافظه‌کاران، توافق بروکسل را نامناسب خوانده و خواستار انتشار جزئیات حقوقی آن شده است. نایجل فاراژ، رهبر حزب اصلاح انگلیس، نیز درباره افزایش هزینه‌های اقتصادی ناشی از همسویی با مقررات اروپایی هشدار داده است.

اقتصاد؛ انگیزه بازگشت به اروپا

توافق بروکسل که روز ۲۹ آبان حاصل شد، کاهش موانع تجارت محصولات کشاورزی و غذایی، اتصال بازارهای انتشار کربن و تسهیل رفت‌وآمد جوانان را شامل می‌شود. همکاری‌های دفاعی، امنیت دریایی و مقابله با تهدیدهای سایبری نیز از دیگر محورهای توافق است. دولت انگلیس برآورد کرده که اجرای این توافق‌ها می‌تواند تا سال ۲۰۴۰ سالانه حدود ۱۷ میلیارد پوند به اقتصاد کشور اضافه کند؛ رقمی که تحقق آن به شرایط اقتصادی و اجرای کامل تعهدات وابسته است. همزمان، دفتر مسئولیت بودجه انگلیس پیش‌بینی کرده که ترتیبات تجاری پس از برگزیت در بلندمدت بهره‌وری اقتصاد را حدود چهار درصد کاهش می‌دهد. این ارزیابی‌ها فشار برای بازنگری در روابط اقتصادی با اروپا را افزایش داده است. نظرسنجی مؤسسه اوپینیوم نیز نشان می‌دهد ۶۰ درصد پاسخ‌دهندگان خواهان روابط نزدیک‌تر با اتحادیه اروپا هستند؛ هرچند حمایت از عضویت مجدد به شرایط بازگشت بستگی دارد.

سایه ترامپ بر آینده برگزیت

ابعاد مناقشه کنونی فراتر از مسائل اقتصادی است. سیاست‌های دونالد ترامپ، افزایش اختلافات فراآتلانتیکی و پیامدهای امنیتی جنگ اوکراین، اهمیت روابط لندن و بروکسل را افزایش داده است. طرفداران برگزیت در سال ۲۰۱۶ امیدوار بودند استقلال از اتحادیه اروپا، زمینه گسترش روابط تجاری با آمریکا را فراهم کند. اکنون تغییر شرایط جهانی، ضرورت بازنگری در این محاسبات را برجسته کرده است. بااین‌حال، نزدیکی بیشتر به اروپا به معنای کنار گذاشتن روابط راهبردی انگلیس با آمریکا نیست. لندن همچنان ناتو و همکاری با واشنگتن را از ارکان سیاست امنیتی خود می‌داند. در نهایت، دولت برنهام با انتخابی دشوار روبه‌روست: بهره‌گیری از فرصت‌های اقتصادی و امنیتی همکاری با اروپا یا پرهیز از احیای اختلافات سیاسی برگزیت. توافق بروکسل نشان داد که یک دهه پس از همه‌پرسی تاریخی، پرسش درباره جایگاه انگلیس در اروپا همچنان بی‌پاسخ مانده است.

